



### اسوهی استبداد ستیزی

زینب سادات میری

در دوران خفقان سلطنت پهلوی بسی مجاهدان و روحانیان، از جان خود گذشته و برای مبارزه با ظلم و جور، حرکات توفنده‌ای آغاز کردند. چه بسیار افرادی که به اتهام طرفداری از امام خمینی توسط سازمان به اصطلاح امنیت، بازداشت و تحت شکنجه‌های وحشیانه‌ی عمال شاه جان باختند.

۲۰ خرداد یادآور شهادت مظلومانه‌ی آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی خراسانی، یار مجاهد امام و حامی ایثارگر اسلام است. سید محمدرضا سعیدی، فرزند احمد، در دوم اردیبهشت ۱۳۰۸ در نوغان خراسان دیده به جهان گشود. مقدمات و سطح را در مشهد فراگرفت و سپس رهسپار قم گردید و نزد امام خمینی و آیت‌الله بروجردی شاگردی نمود.

او یکی از بهترین شاگردان امام بود و علاوه بر تحصیل علم از مرام و مسلک آن پیر فرزانه نیز بهره برد.

شهید سعیدی نخستین بار در سال ۱۳۴۱ به دلیل انتقاد صریح از رژیم شاه در آبادان دستگیر و پس از چند روز آزاد شد. او در محرم ۱۳۸۳ که مصادف با خرداد ۴۲ و فجایع تلخ آن ماه بود، برای تبلیغ در کویت به سر می‌برد و با آگاهی از فاجعه‌ی ۱۵ خرداد سخت متأثر گردید و در محل تبلیغ خود به افشای ماهیت طاغوت پرداخت و شیعیان کویت را در جریان حوادث ایران قرار داد. سعیدی یقین داشت که به محض بازگشت به ایران توسط رژیم دستگیر خواهد شد. از این رو پس از ماه صفر در کویت ماند و یک سال بعد تقریباً همزمان با آزادی امام به ایران بازگشت و با مراد خویش در قم دیدار نمود.

سعیدی در اثنای تبعید امام به ترکیه و انتقال ایشان به نجف در سال ۱۳۴۴، تلاش فراوانی برای بازگرداندن امام به وطن صورت داد. او برای ملاقات با امام مخفیانه خود را به نجف رسانید و به معرفی شخصیت علمی و سیاسی امام در حوزه‌ی نجف پرداخت.

آیت‌الله سعیدی برای دستیابی به اهداف والای اسلام در سال ۱۳۴۴ فعالیت مجدد خود را در تهران از پایگاه مسجد موسی بن جعفر(ع) در حوالی میدان خراسان آغاز کرد و به تبلیغ و ارشاد، برگزاری کلاس‌های ایدئولوژیک و اقامه‌ی فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و زنان و مردان بسیاری را با معارف و نهضت امام آشنا نمود.

شهید سعیدی در آن روزگاری که چنگال استبداد هر فریاد مخالفی را سرکوب می‌کرد، با شجاعت از امام خمینی دفاع می‌نمود و با صراحت از سیاست استعمارگرانه‌ی امریکا و صهیونیسم در ایران پرده برمی‌داشت. گزارش‌های فراوان ساواک گواهی روشن بر این موضوع است:

طبق اطلاع واصله ساعت ۲۰/۳۰ روز ۴۵/۴/۳۱ جلسه‌ی مسجد موسی بن جعفر(ع) با حضور قریب یک هزار نفر از طبقات مختلف تشکیل گردیده است.

در این جلسه سعیدی ابتدا چند دقیقه درباره‌ی آیت‌الله خمینی و کتک زدن طلبه‌ها در قم صحبت کرد و مردم با شنیدن اسم خمینی صلوات فرستادند. نامبرده ضمن حمله به یهودیان فلسطین و امریکا اضافه کرده: اینها کارشان در این مملکت بالا گرفته و دستشان در همه کار باز است و کسی از آنها جلوگیری نمی‌کند ولی جلسات ما را تعطیل می‌نمایند.

سه سال پیش، آیت‌الله خمینی از دولت خواست که اسرائیل در کشور سفارتخانه

نداشته باشد؛ ایشان این جریانات را پیش بینی می‌کرد، ما باید برای مبارزه کردن تشکیلات داشته باشیم تا بتوانیم در مقابل دشمن مقاومت کنیم و...<sup>۱</sup>

دگر بار آیت‌الله سعیدی در تاریخ ۴۵/۵/۸ «به اتهام اقدام علیه امنیت داخلی کشور» توسط شهربانی دستگیر و به زندان قزل قلعه منتقل و در دادگاه نظامی به دو ماه زندان محکوم گردید و دو ماه بعد در تاریخ ۴۵/۷/۱۱ آزاد شد و دوباره راه خویش را در پیش گرفت. از این رو نگرانی ساواک نیز تشدید شد، به طوری که سپهبد نصیری طی نامه‌ای به شهربانی، از آن مقام خواست تا به نحو مقتضی از فعالیت‌ها و تحریکات سعیدی جلوگیری کند. شهربانی نیز برای دستیابی به اهداف خود، وی را ممنوع‌المنبر اعلام کرد. ولی این امر سعیدی مجاهد را به سکوت و انداخت و او جلسات و سخنرانی‌های خود را بدون استفاده از منبر و مخفیانه دنبال کرد. وی در سخنرانی‌ها به فساد و بی‌دینی دربار اشاره داشت و حمایت از اسلام را سرلوحه‌ی زندگی قلمداد می‌نمود:

... امام حسین (ع) برای سربلندی و پایداری اسلام به شهادت رسید، بنابراین ما مسلمانان باید از این موضوع سرمشق بگیریم و نگذاریم استعمارگران دین ما را بازیچه قرار دهند. نگذاریم امثال آیت‌الله خمینی را ناراحت سازند.

... اگر کسی حقایق را بیان نمود، از آزادی دم زد و ملت را به واقعیات روشن کرد، فوراً تحت محاکمه و شکنجه و تبعید قرار می‌گیرد، برعکس اگر آخوندی حرف نزد و مطابق میل دستگاه رفتار کرد، حقوق و پاداش قابل توجهی به او می‌دهند.<sup>۲</sup> ۴۵/۹/۴

... عقیده‌ی پیشوایان دین و رهبر عالی‌قدر ما هم همین است که حقوق و مزایا باید برای همه‌ی مردم یکسان باشد. چرا یک طلبه که می‌خواهد دین را زنده نگه دارد و در آتیه جای خمینی‌ها و بروجردی‌ها را بگیرد، در یک اتاق کوچک و مرطوب با ماهی ۳۰ تومان زندگی کند، ولی در عوض تعداد دیگری از افراد این مملکت در کاخ‌های سر به فلک کشیده شهوترانی و خوشگذرانی و عیاشی نمایند و به فکر برادران دینی خود نبوده و حتی آنها را شکنجه بدهند؟...<sup>۳</sup> ۴۵/۱۰/۶

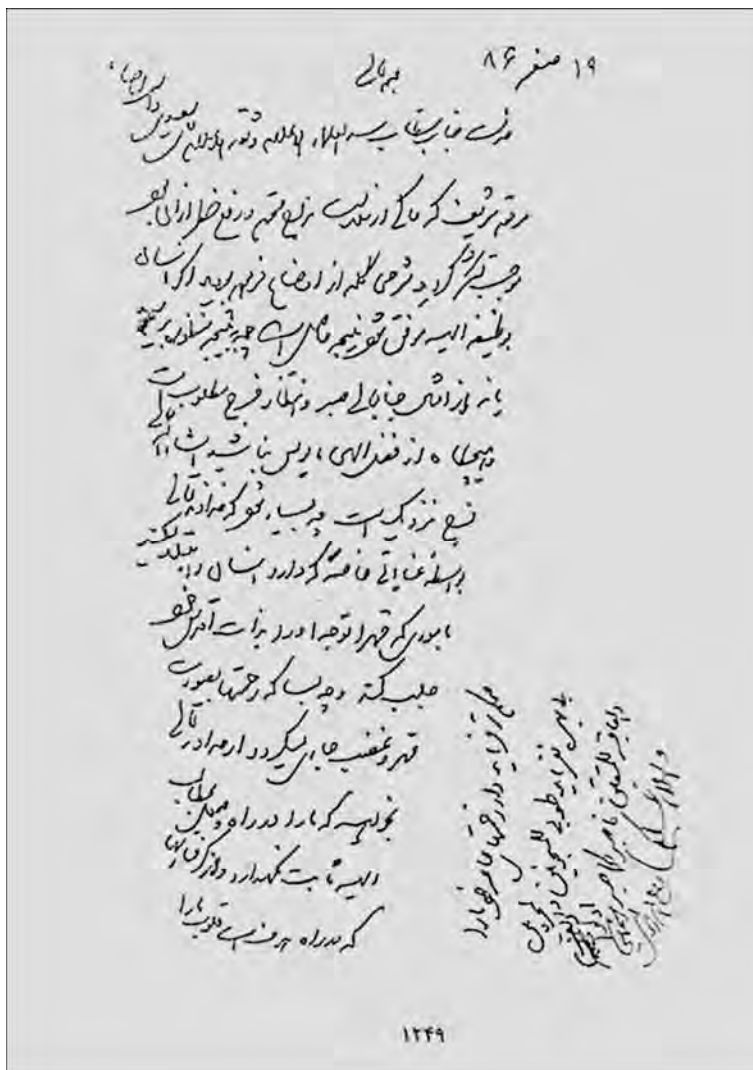
آیت‌الله سعیدی به منظور استفاده از نظرات و رهنمودهای امام، همواره به مکاتبات سری با ایشان می‌پرداخت و از این طریق برای سازماندهی نیروهای انقلابی و فعالیت‌های ضد رژیم از

۱. روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، دفتر دوم، چاپ پنجم، عروج، تهران، ۱۳۸۱، ص ۸۳۸.

۲. پیشین ص ۸۴۴

۳. پیشین ص ۸۴۴

مرجع خویش کسب تکلیف می‌نمود. امام نیز به دلیل علاقه‌ی خاصی که به سعیدی داشت و به منظور ترویج اسلام واقعی در ایران، از تبعیدگاه خود او را راهنمایی و به ادامه‌ی مبارزه فرامی‌خواند. امام خمینی در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۱۹ در نامه‌ای خطاب به آن عالم مجاهد نوشته‌اند:



... شرحی گله از اوضاع فرموده بودید؛ اگر انسان به وظیفه‌ی الهیه موفق شود، نتیجه حاصل است، چه به نتیجه‌ی منظوره برسید یا نه. از امثال جنابعالی صبر و انتظار فرج

مطلوب است و هیچ‌گاه از فضل الهی مأیوس نباشید... از خداوند تعالی بخواهید که ما را در راه وصول به مطالب الهیه ثابت نگه دارد و از گرفتاری‌ها که در راه هدف است، قلوب ما را محکم‌تر فرماید و از رحمت‌های خاصه‌ی خود ما را بی‌بهره نفرماید...

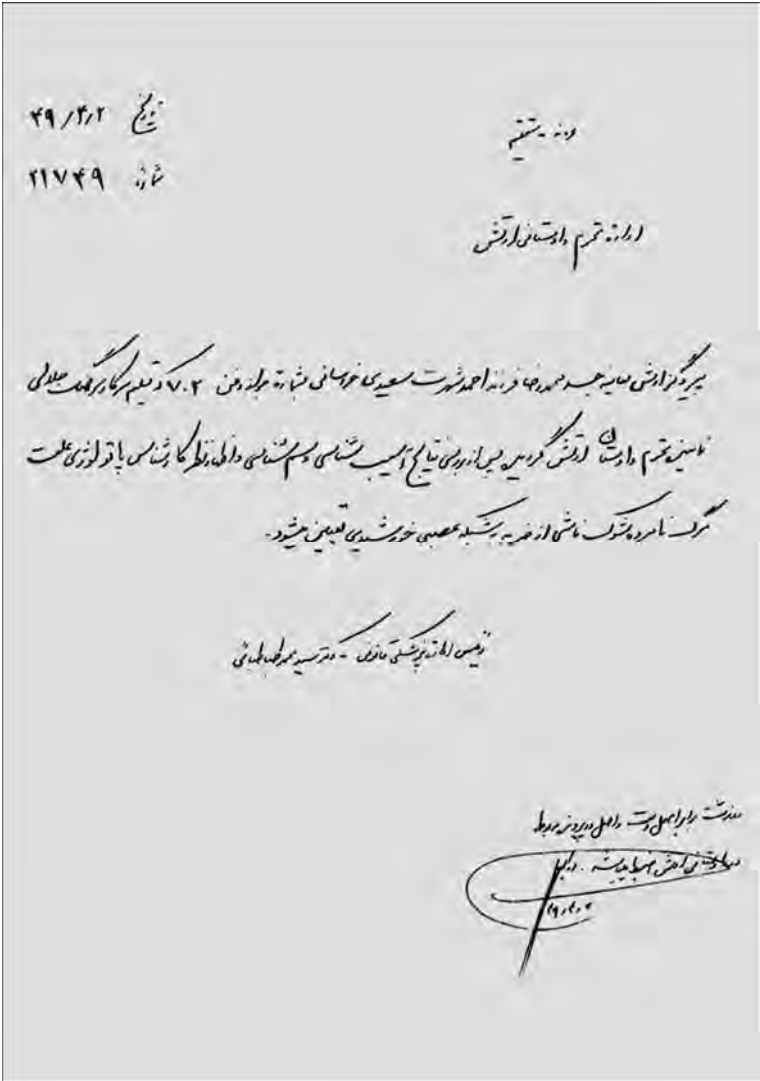
همزمان با ورود گروهی از سرمایه‌داران امریکایی به ایران (به منظور سرمایه‌گذاری در رشته‌های توریسم، منابع جنگلی، کشت و صنعت، ایجاد شبکه‌ی توزیع و صنایع که در حقیقت استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را به ورطه‌ی نابودی می‌کشاند.) و صدور اعلامیه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم علیه سرمایه‌گذاری بیگانه، شهید سعیدی نیز به مبارزه پرداخت و با سخنرانی در مسجد موسی بن جعفر(ع) از اهداف شوم و استعماری امریکا پرده برداشت:

... این وظیفه‌ی علماست که باید مردم را از آنچه بر آنها می‌گذرد مطلع کند. پست ما خیلی حساس و گفتنی‌ها زیاد است ولی چه کنم که با این جمعیت کم مجبوریم نفس‌ها را در سینه حبس کنیم. مثلاً یکی از گفتنی‌ها که این روزها سر و صدای آن، همه‌ی مملکت را پر کرده و جراید هم نوشته‌اند این است که قرار است ۳۵ نفر از امریکاییان به ایران آمده و در این مملکت سرمایه‌گذاری کنند. آیا می‌دانید که این استعمارگران و یاران‌شان چه تصمیماتی دارند و چه ظلم‌هایی خواهند کرد؟<sup>۱</sup>...

اما آن مجاهد خستگی‌ناپذیر به سخنرانی و توزیع اعلامیه اکتفا نکرد و از علما نیز خواست تا مردم را از آنچه به سر آنان خواهد آمد آگاه نمایند، ولی خفقان و تاریکی حاکم بر کشور مانع از روشنگری بود. سرانجام در ۱۱ خرداد ۱۳۴۹ آیت‌الله سعیدی خراسانی در منزل خویش توسط نیروهای ساواک به اتهام پرده‌برداری از جنایات رژیم و امریکا و آگاه نمودن مردم از حقوق از دست رفته‌ی خویش، دستگیر و روانه‌ی زندان قزل قلعه شد.

رژیم شاه به دلیل نگرانی و وحشتی که از فعالیت یاران امام داشت و اقدامات سازنده‌ی سعیدی را مخالف اهداف خود می‌دید، نه روز بعد در ۲۰ خرداد، وی را در زندان به شهادت رسانید و پیکر او غریبانه در وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

ساواک تلاش می‌کرد شهادت سعیدی را مرگ طبیعی و یا خودکشی قلمداد کند. در گزارشی علت مرگ فرور بردن دستمال در حلق عنوان شده، درجایی دیگر سکنه‌ی قلبی و یا خونریزی لوزالمعده گزارش شده بود. این گزارش‌های ضد و نقیض حاکی از واقعیت دیگری بود که در یکی از گزارش‌ها منتشر شد. در گزارش پزشکی قانونی دولت شاهنشاهی علت مرگ، «شوک ناشی از ضربه به شبکه‌ی عصبی خورشیدی» تعیین شد.



ترس و وحشت رژیم پس از شهادت آیت‌الله سعیدی نیز فروکش نکرد و آنها طی بخشنامه‌ای به ساواک سراسر کشور دستور دادند تا از هرگونه برگزاری مراسم ترحیم برای او جلوگیری و عاملین آن را دستگیر و تبعید کنند.

خبر شهادت سید محمد رضا سعیدی خراسانی نه تنها در ایران بلکه در اروپا نیز بازتاب گسترده‌ای داشت و موجبات خشم و انزجار ایرانیان و دانشجویان مسلمان را نسبت به رژیم

فراهم آورد. آنان با برپایی مراسم یادبود، صدور اعلامیه و... از مقام آن شهید تجلیل کردند.

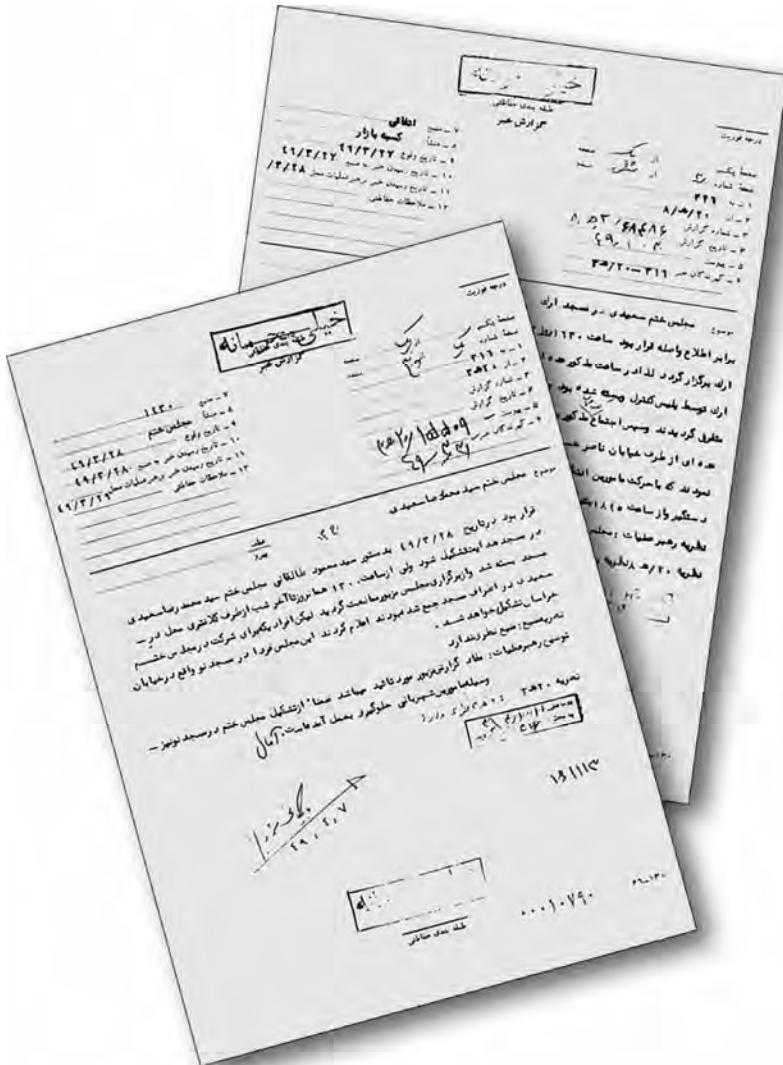
روحانیان و محصلین ایرانی مقیم نجف نیز با صدور اعلامیه، برگزاری مجالس ختم و بزرگداشت و نصب پلاکارد در اطراف حرم امام علی(ع) اعلام عزاداری کردند و به سوگ نشستند.

امام در تاریخ ۱۳۴۹/۴/۲۰ در پاسخ به تسلیت‌نامه‌ی فضلا و محصلین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، بیانیه‌ای در مورد شهادت سعیدی و بر ضد کنسرسیوم اقتصادی صادر کردند:

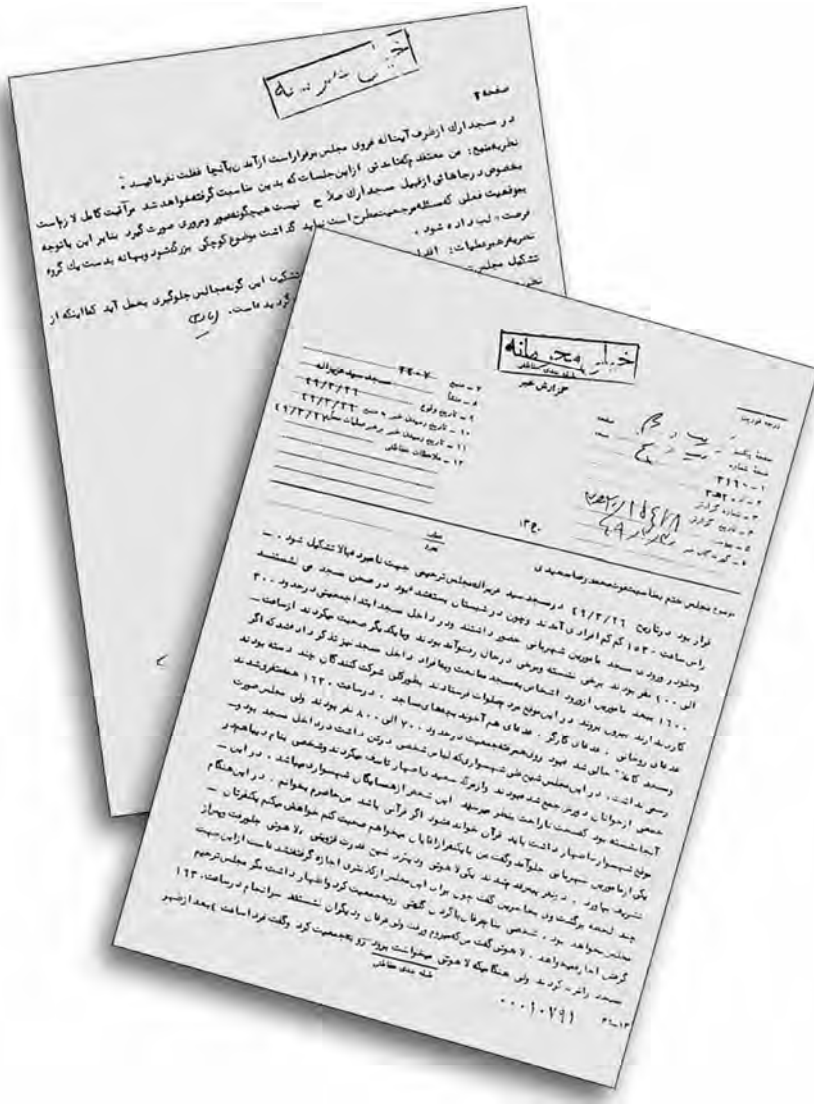
..... حوادث اخیر ایران که قتل مرحوم سعیدی مترتب بر آنهاست، موجب کمال تأثر است. این تنها مرحوم سعیدی نیست که با این وضع اسفانگیز در گوشه‌ی زندان از پای درمی‌آید، بلکه چه بسا افراد مظلوم و بی‌گناه به جرم حَق‌گویی در سیاهچال‌های زندان مورد ضرب و شتم شکنجه‌های وحشیانه و رفتار غیر انسانی قرار می‌گیرند. این خوان یغما که مدت‌هاست مورد هجوم چپی و راستی قرار گرفته و گاهی با صراحت تقسیم گردیده، اکنون با عناوین دیگر با کمال عوام فریبی نقشه کشی شده و مورد تقسیم قرار گرفته است. از طرفی کارشناسان چپی که مقصود آنها اسارت شرق و ملل اسلامی است، به اسم تأسیس



کارخانه‌ی ذوب آهن (که نفع آن برای استعمار و کسب وجهی دستگاه جبار بیشتر از نفعی است که به ملت می‌رسد) و از طرف دیگر کارشناسان و سرمایه‌داران بزرگ امریکا به اسم عظیم‌ترین سرمایه‌گذاری خارجی برای اسارت این ملت مظلوم به ایران هجوم نموده‌اند!...







آوای ضد استبدادی سعیدی خاموش شد ولی راه و اندیشه‌ی او تداوم یافت. روحانیان بیدار و مردم آگاه در مقابل حکومت جور و تحت استعمار بیگانه ایستادگی کردند و نهضت امام را تداوم بخشیدند و سرانجام هدف و آرمان‌های آن شهید به بار نشست و جمهوری اسلامی در ایران استوار شد.